

تطبیق مسؤولیت کیفری پزشکان در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰

شهناز بهمنش نیا^{۱*}، امیر دیبایی^۲، امید قاسمی^۳

چکیده

پزشک در راستای انجام وظایف حرفه‌ای خود ممکن است مرتکب فعل و یا ترک فعلی شود که مغایر با شئون پزشکی و ناقض حقوق فردی و نیز منحل نظم اجتماعی باشد، قانونگذار این اعمال را جرم و مستوجب کیفری دانسته است. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، مسؤولیت کیفری پزشک به پیروی از قول گروهی از فقهای امامیه، به عنوان مسؤولیت محض یا بدون تقصیر پزشک پذیرفته شده بود. خوشبختانه قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ مقررات پیشین را اصلاح کرده و مبنای تقصیر را در مسؤولیت پزشک پذیرفته است. بنابراین پزشک برای رهایی از مسؤولیت، باید عدم تقصیر خود را به طریق اولی (قطع رابطه سببیت) ثابت نماید.

کلید واژگان: پزشک، تقصیر، مسؤولیت محض، مسؤولیت کیفری.

۱- کارشناس ارشد حقوق گرایش جزا و جرم‌شناسی.
۲- دکترای تخصصی پزشک قانونی.
۳- دکترای حقوق خصوصی.

۱- گروه حقوق، گرایش جزا و جرم-شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات خوزستان، ایران.
۲- گروه پزشکی قانونی، دانشگاه علوم پزشکی اهواز، ایران.

۳- گروه حقوق، گرایش حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات خوزستان، ایران.

* نویسنده‌ی مسؤل:

شهناز بهمنش نیا؛ گروه حقوق، گرایش جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات خوزستان، ایران.

تلفن: ۰۰۹۸۹۱۶۳۱۳۹۷۳۴

Email: shahnaz_behmaneshnia@yahoo.com

مقدمه

مسؤولیت پزشکی یکی از مباحث پیچیده و دشوار حقوق پزشکی است. از بدو تشکیل تمدن‌های بشری، قانونگذاران، مقرراتی را برای ساماندهی و تنظیم نظارت بر فعالیت پزشکان و کیفیت مسؤولیت آن‌ها در جبران خسارت بیماران در نظر گرفته‌اند. در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰، قانونگذار موادی را به این امر اختصاص داده بود که با مبنای تقصیر سازگار نبود و در باب مسؤولیت پزشک با هم تعارض داشتند. به نظر می‌رسد، علت اصلی این تعارض این بود که سیستم قانونگذاری ایران بر دو شیوه مبتنی است: از طرفی نظرات فقهی مورد نظر بود؛ و از سوی دیگر قوانین عرفی که در اغلب موارد از کشورهای اروپایی اقتباس شده مورد عمل قرار گرفته‌اند. در نتیجه، ضرورت ایجاب می‌کرد، که قوانین موضوعه و بالاخص قوانین جزایی کاملاً صریح و روشن باشد و از تفاسیر متعدد به دور باشد. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱، مقررات پیشین اصلاح گردیده و مبنای تقصیر را در مسؤولیت پزشک پذیرفته است و به طور معمول تعهد پزشک را تعهد به وسیله می‌داند. یعنی پزشک بر عهده می‌گیرد، به موجب قرارداد یا قانون، بیمار را با رعایت موازین پزشکی مداوا کند و کوشش و مهارت خود را برای درمان به کار بندد؛ لیکن درمان قطعی (شفا دادن) بیمار در اختیار او و مورد تعهد او نیست؛ بنابراین پزشک را فقط هنگامی می‌تواند مسؤول شناخت که تقصیر او ثابت شود.

به هر حال در این مقاله سؤالی در زمینه مبنای مسؤولیت کیفری پزشک به شرح ذیل مطرح می‌باشد که قابل بحث است.

آیا مسؤولیت کیفری پزشک مبتنی بر تقصیر می‌باشد، یا مسؤولیت محض و بدون تقصیر پذیرفته شده است؟
قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ در بند ۲ ماده ۵۹ و بند ب ماده ۲۹۵ و مواد ۶۰، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱ و ۳۲۲، به مسؤولیت کیفری پزشک و روابط وی با بیمار پرداخته است. در بند ۲ ماده ۵۹، قانونگذار سه

شرط رضایت بیمار، مشروعیت عمل طبی و رعایت موازین فنی، علمی و رعایت نظامات دولتی را برای جرم شناختن فعل پزشک منظور نموده است. به عقیده اکثر علمای حقوق، عوامل موجهه جرم، هم مسؤولیت کیفری و هم مسؤولیت مدنی را از بین می‌برد و وقتی شخصی مثلاً در حالت دفاع مشروع موجب خسارت به دیگری شود، نمی‌توان او را به پرداخت خسارت محکوم نمود (۱). شاید گفته شود، بند ۲ ماده ۵۹ فقط جرم نبودن عمل پزشک را در صورت اجتماع شرایط سه‌گانه بیان می‌کند و منافاتی ندارد که همان عمل موجب تحقق مسؤولیت مدنی شود، کما این‌که قانونگذار در ماده ۳۱۹ قانون مذکور اشاره‌ای به تقصیر یا عدم تقصیر پزشک ننموده است. علاوه بر این به مسؤولیت مطلق نیز اشاره ضمنی و در ظاهر تعهد پزشک را از تعهد به مواظبت و سعی و تلاش (تعهد به وسیله) تبدیل به خودداری از اضرار (تعهد به نتیجه) نموده است (۳) تا بدین‌وسیله پزشک ضامن تمام زیان‌هایی باشد که به طور مستقیم یا به وسیله دیگران به بار می‌آورد.

از نظر مشهور فقها مسؤولیت پزشک، مسؤولیت محض و بدون تقصیر است، چرا که رفتار متعارف و غیر مقصرانه پزشک را نیز ضامن‌آور دانسته است، در حالی که مصلحت اجتماعی اقتضا می‌کند که پزشک فقط در صورت ارتکاب تقصیر مسؤول شناخته شود، تا پزشکان بدون نگرانی از مسؤولیت بتوانند با رعایت موازین پزشکی به تحقیقات علمی و معالجه بیماران بپردازند. اگر به صرف ایراد خسارت به بیمار- که ظاهراً مستند به عمل پزشک است- و بدون اثبات تقصیر، وی مسؤول باشد، چه بسا این وضعیت موجب تشویش و نگرانی پزشکان در جهت اعمال وظایف خطیر آن‌ها شود که این امر از یک سو مانع پیشرفت علمی پزشک و درمان بیماری‌های سخت می‌شود و از سوی دیگر به زیان بیماران و جامعه است.

سال ۱۳۷۰ قرار داده شده است (۶). به طوری که در بند ج ماده ۱۵۸ مقرر می‌دارد: هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیاء یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی وی و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام می‌شود، در موارد فوری اخذ رضایت ضروری نیست.

در ماده ۴۹۵ ق.م.ا. مصوب سال ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می‌دهد موجب تلف یا صدمه بدنی گردد، ضامن دیه است مگر آن که عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد یا این که قبل از معالجه براءت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشود و چنانچه اخذ براءت از مریض به دلیل نابالغ یا مجنون بودن او، معتبر نباشد و یا تحصیل براءت از او به دلیل بیهوشی و مانند آن ممکن نگردد، براءت از ولی مریض تحصیل می‌شود.

تبصره ۱- در صورت عدم قصور یا تقصیر پزشک در علم و عمل برای وی ضمان وجود ندارد، هر چند براءت اخذ نکرده باشد.

این ماده چنین صراحت دارد که پزشک اصولاً مسؤول زیان‌های وارده به بیمار است، مگر این که عدم تقصیر او اثبات شود یا براءت اخذ کرده باشد. در این فرض نیز در صورتی پزشک معاف از مسؤولیت است که مرتکب تقصیر نشده باشد. به دیگر سخن، از سیاق مواد فوق مبنای فرض تقصیر یا به تعبیری اماره تقصیر قابل استنباط است؛ بدین معنی که برای احراز مسؤولیت، اثبات تقصیر لازم نیست، ولی پزشک می‌تواند عدم تقصیر خود را مبنی بر این که مقررات پزشکی و موازین فنی را کاملاً رعایت کرده و مرتکب هیچ‌گونه بی‌احتیاطی نشده است، اثبات نماید. هرگاه پزشک از بیمار یا ولی او براءت اخذ کرده و به عبارت دیگر عدم مسؤولیت خود را شرط نموده باشد، بار اثبات تقصیر بر عهده زیان دیده خواهد بود (۷). بنابراین، شرط براءت از ضمان، پزشک را از مسؤولیت در صورت اثبات تقصیر معاف نمی‌کند و فقط بار اثبات را جابه‌جا می‌نماید، بدین معنی که اگر براءت از ضمان اخذ

از نظر علمای اهل سنت همگام با اقلیت فقهای امامیه، مسؤولیت پزشک مبتنی بر تقصیر است، زیرا به نظر آنان ضمان و اذن با هم جمع نمی‌شود و تا وقتی که پزشک در انجام فعل مأذون فیه بوده و آن را بر وجه صحیح و طریقه متعارف انجام دهد و سعی و تلاش خویش را به کار بندد، مسؤولیت نخواهد داشت. در کتاب معروف جواهرالکلام در این خصوص چنین آمده است: "پزشک ضامن تلف ناشی از معالجه است، اگر کوتاهی کند، یا طفل یا مجنونی را بدون اذن ولی، یا بالغی را بدون اذن او معالجه کند". از عبارات فوق مبنای تقصیر در مسؤولیت پزشک قابل استنباط است، هر چند گروهی از فقها گفته‌اند که پزشک در فرض مأذون بودن و عدم تقصیر هم مسؤول است (۴).

مسئولیت مبتنی بر تقصیر راه حلی است که در حقوق تطبیقی پذیرفته شده است. مثلاً در حقوق فرانسه، تعهد پزشک را تعهد به وسیله به شمار آورده و اصولاً تقصیر را مبنای مسؤولیت او دانسته‌اند. دیوان تمیز فرانسه به صراحت اعلام کرده است، که پزشک تعهد به درمان قطعی (شفای دادن) بیمار ندارد، بلکه تعهد کرده است او را مداوا کند، نه هرگونه مداوا، بلکه مداوایی که مطابق داده‌های مسلم علمی باشد. این بدان معنی است که پزشک باید مواظب و مراقب و دقیق باشد، راه‌های درمانی را که در موارد مشابه به کار می‌رود بشناسد و به کار برد. رویه قضائی فرانسه تعهد اطلاع رسانی به بیمار درباره خطرهای عمل جراحی یا درمان را از تعهدات پزشک دانسته و عدم اجرای این تعهد را که نوعی تقصیر و اثبات آن بر عهده بیمار است، موجب مسؤولیت تلقی کرده است (۵).

در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، بند ج ماده ۱۵۸ و مواد ۴۹۵ تا ۴۹۷ در باب مسؤولیت پزشک تدوین شده است. سیاست کلی تدوین‌کنندگان قانون جدید مجازات اسلامی بر رقت مجازات مرتکبان و عطف در برخورد با آنان و کاهش دعاوی جزایی و در مجموع رفع تعارض مواد قانون مجازات اسلامی مصوب

نشده باشد، بار اثبات عدم تقصیر بر دوش پزشک و در صورت اخذ براءت، بار اثبات تقصیر بر عهده زیان دیده است. کاربرد کلمه "تقصیر" در ماده ۴۹۵ قانون جدید دلیل بر آن است که مسؤلیت پزشک مبتنی بر تقصیر است؛ ولی نه تقصیر اثبات شده، بلکه تقصیر مفروض که

خلاف آن قابل اثبات است. بدیهی است که در مسؤلیت بدون تقصیر یا محض، اثبات عدم تقصیر مؤثر نخواهد بود. تبصره ماده ۴۹۵ قانون جدید نیز مؤید قبول مبنای تقصیر در این قانون است.

منابع

- 1-Shmbiyati H. [Public criminal law]. 12th ed. Tehran: Jobin; 2005. [In Persian]
- 2-Katoziyan N. [Tortious liability, civil liability]. Tehran: Tehran university; 1990. [In Persian]
- 3-Katoziyan N. [Non- contractual obligations: tortious liability]. Tehran: Tehran University; 2003. [In Persian]
- 4-Makarem Shirazi N. [New request for a legal opinion]. 3rd ed. Ghom: Ali Ibn-e- Abitaleb; 2002. [In Persian]
- 5-Teree F, Simler Ph. et Leqette Y. [Droit civil, les obligations], 7th ed. Dalloz; 1999. [In France]
- 6-Shojae Poreyan S. [Doctor's responsibility against patient]. Tehran: Ferdosi; 2010. [In Persian]
- 7-Goldozeyan A. [Public criminal law abligation]. 8th ed. Tehran: Mizan publication; 2003. [In Persian]

Correlation of Practitioners's Criminal Responsibility in Islamic Penal Code Act 2013 with Islamic Penal Code 1991

Shahnaz Behmanesh Nia^{1*}, Amir Dibae², Omid Ghassemi³

1-M.Sc. of Criminal Law and Crimology.

2-Professor of Occupational

3-Ph.D. of Law, Privacy Law Trend

1-M.Sc. of Criminal Law and Crimology. of Khouzestan

Science and Research Branch, Islamic Azad University, Ahwaz, Iran.

2-Department of Forensic Medicine, Ahwaz University of Medical Sciences, Ahwaz, Iran.

3-Department of Law of Khouzestan Science and Research Branch, Islamic Azad University, Ahwaz, Iran.

*Corresponding Author:

Shahnaz Behmanesh Nia; M.Sc. of Criminal Law and Crimology of Khouzestan Science and Research Branch, Islamic Azad University, Ahwaz, Iran.

Tel: +989163139734

Email: shahnaz_behmaneshnia@yahoo.com

Abstract

physician in order to carry out their professional duties may be committed by an act or omission in contrary to the dignity and violation of individuals and disruptive in social order. The legislature considers these action as a crime and must be punished.

Doctor's criminal responsibility in the Islamic criminal law act of 1370 follows statemen's from Shiite religious groups, as pare and without fault of the Doctor's responsibility.

Fortunately, the new Islamic criminal law act of 1392/2/1 penal code has not been run yet, previous regulations has been modified and fault based on physician responsibility has adopted. So in order for a relives himself doctor relief from responsibility, should be proved his/her own innocence by former way (cutting the causation relations)

Keyword: Doctor, Fault, Mere responsibility, Criminal responsibility.

Please cite this paper as:

Behmanesh Nia Sh, Dibae A, Ghassemi O. Correlation of Practitioners's Criminal Responsibility in Islamic Penal Code Act 2013with Islamic Penal Code 1991. *Jundishapour Sci Med J* 2014; 12(6):735-739

Received: July 10, 2013

Revised: Nov 10, 2013

Accepted: Nov 27, 2013